

به نام خدا

# خلاقیت و هوش هیجانی در دانش آموزان

مولفان :

بتول مزینانیان

هدا خدابخشیان

محمد عابدیان

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه : مزینانیاں، بتول، ۱۳۵۷-  
 عنوان و نام پدیدآور : خلاقیت و هوش هیجانی در دانش آموزان / مولفان بتول مزینانیاں، هدا  
 خدابخشیان، محمد عابدیان.  
 مشخصات نشر : ارسطو ( سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران )، ۱۴۰۲.  
 مشخصات ظاهری : ۱۴۹ص. : جدول.  
 شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۳۱۱-۲  
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا  
 یادداشت : کتابنامه:ص. ۱۴۳-۱۴۹.  
 موضوع : دل‌بستگی در کودکان  
 هیجان‌ها در کودکان  
 هوش هیجانی  
 خلاقیت در کودکان  
 شناسه افزوده : خدابخشیان، هدا، ۱۳۶۱-  
 شناسه افزوده : عابدیان، محمد، ۱۳۵۶-  
 رده بندی کنگره : BF۵۷۵  
 رده بندی دیویی : ۱۵۲/۴  
 شماره کتابشناسی ملی : ۹۳۸۰۶۳۸  
 اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

Attachment behavior in children  
 Emotions in children  
 Emotional intelligence  
 Creative ability in children

نام کتاب : خلاقیت و هوش هیجانی در دانش آموزان  
 مولفان : بتول مزینانیاں - هدا خدابخشیان - محمد عابدیان  
 شمس مددی - روح الله رسایی مند  
 ناشر : ارسطو ( سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران )  
 صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر  
 تیراژ : ۱۰۰۰ جلد  
 نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۲  
 چاپ : زبرجد  
 قیمت : ۱۲۰۰۰۰ تومان  
 فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان :  
<https://chaponashr.ir/ketabresan>  
 شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۳۱۱-۲  
 تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵  
[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹	فصل اول.....
۹	کلیات.....
۹	مقدمه.....
۱۶	اهمیت موضوع.....
۱۹	تعاریف نظری و عملیاتی.....
۱۹	تعاریف نظری.....
۲۰	تعاریف عملیاتی.....
۲۱	فصل دوم مبانی نظری.....
۲۱	مقدمه.....
۲۱	سبک دل بستگی.....
۲۲	تعریف دل بستگی.....
۲۶	نظریه دل بستگی.....
۲۸	اهمیت نظریه دل بستگی.....
۳۰	مفروضه‌های اساسی نظریه دل بستگی.....
۳۱	مفاهیم اساسی در نظریه دل بستگی.....
۳۲	حساسیت و کیفیت دل بستگی.....
۳۳	نظام دل بستگی.....
۳۳	تئوری اتولژیک (کردارشناسی).....
۳۴	روش شناسی.....
۳۵	مفاهیم عمده نظریه.....
۳۵	رفتار غریزی.....

۳۶	..... نقش پذیری
۳۷	..... پیوستگی به عنوان نقش پذیری (در کودکان)
۳۸	..... مبنای نظری دلبستگی
۳۸	..... اساس زیستی نظریه دلبستگی
۴۰	..... زندگی نامه و تاثیر پذیری های جان بالبی
۴۲	..... هدف بالبی
۴۲	..... مدل های فعال ساز درونی
۴۳	..... نظام کاوشی
۴۴	..... دلبستگی و کاوش در سراسر چرخه زندگی
۴۴	..... دلبستگی ایمن به عنوان یک عامل محافظ
۴۴	..... اهمیت رفتار حساس
۴۸	..... ارتباط نظریه دلبستگی با نظریات دیگر
۴۸	..... نظریه روان تحلیل گری
۵۰	..... نظریه رفتار گرایی
۵۲	..... دیدگاه کردار شناسی
۵۳	..... پژوهش های هارلو
۵۴	..... علایم دلبستگی
۵۴	..... تداوم الگوهای دلبستگی
۵۵	..... چارچوب تکاملی نظریه دلبستگی
۵۶	..... دلبستگی در بزرگسالی
۵۷	..... مراحل دلبستگی
۶۲	..... ارزیابی دلبستگی و انواع آن
۶۳	..... مرحله اول و دوم
۶۳	..... مرحله سوم
۶۴	..... مرحله چهارم
۶۴	..... مرحله پنجم
۶۴	..... مرحله ششم

۶۵	.....	مرحله هفتم
۶۵	.....	مرحله هشتم
۶۸	.....	شیوه‌های جدید ارزیابی دلبستگی کودکان
۶۹	.....	طبقه‌بندی کیفیت دلبستگی
۶۹	.....	دلبستگی «ایمن»
۶۹	.....	دلبستگی نایمن «اجتنابی»
۶۹	.....	دلبستگی نایمن «دوسوگرا»
۷۰	.....	دلبستگی آشفته
۷۰	.....	عوامل مؤثر بر دلبستگی ایمن
۷۰	.....	فرصت برقرار کردن رابطه نزدیک
۷۱	.....	کیفیت پرستاری
۷۲	.....	ویژگی‌های کودکان
۷۲	.....	شرایط خانوادگی
۷۲	.....	خلق و خوی کودک
۷۳	.....	سلسله مراتب اشخاص مورد دلبستگی
۷۴	.....	دلبستگی‌های متعدد
۷۴	.....	پدرها
۷۵	.....	روش‌های فرزند پروری و دلبستگی کودک
۷۶	.....	آموزش والدین برای حساس شدن
۷۶	.....	دلبستگی و تأثیرات آن بر شخصیت و زندگی آینده افراد
۷۷	.....	دلبستگی ایمن
۷۹	.....	دلبستگی و آسیب شناسی روانی
۷۹	.....	محرومیت مادری
۸۱	.....	اضطراب جدایی
۸۱	.....	ضربه روانی و دلبستگی

۸۲	حساسیت مادری
۸۲	ترس از لوس شدن
۸۲	نشانه‌های مشکلات دلبستگی
۸۳	نظریه درمانی دلبستگی
۸۴	خاستگاه خلاقیت
۸۶	مفهوم شناسی خلاقیت
۹۰	فراگرد خلاقیت
۹۱	ایجاد نگرش موافق برای پذیرش افکار و طرح‌های جدید
۹۱	افزایش حساسیت افراد نسبت به مسأله
۹۲	مهیا ساختن شرایط خلاقیت از طریق فراهم ساختن مواد خام لازم
۹۲	ایجاد سلاست فکر
۹۳	استمرار فعالیت ضمیر ناخودآگاه بر روی مسأله
۹۴	درخشش ناگهانی یک فکر
۹۴	سطوح خلاقیت
۹۶	انواع خلاقیت
۹۸	ویژگی‌های افراد اخلاق
۹۹	خصوصیات اجتماعی:
۱۰۱	دیدگاهها در مورد افراد خلاق
۱۰۲	دیدگاههای مختلف درباره خلاقیت
۱۰۲	خلاقیت از دیدگاه روانشناسی
۱۰۴	خلاقیت از دیدگاه سازمانی
۱۰۶	نظریه‌های خلاقیت
۱۰۷	نظریه‌های جدید فلسفی
۱۰۸	نظریه‌های علمی خلاقیت
۱۱۰	دیدگاه روانشناختی اجتماعی
۱۱۱	دیدگاه عصب شناختی
۱۱۱	دیدگاه روانسنجی

۱۱۵	هوش هیجانی
۱۱۶	تعریف هوش هیجانی
۱۱۹	اهمیت هوش هیجانی
۱۲۰	تفاوت هوش هیجانی و هوش شناختی
۱۲۱	الگوها و مولفه های هوش هیجانی
۱۲۱	الگوی ترکیبی هوش هیجانی گلمن و مولفه های آن
۱۲۳	الگوی ترکیبی بار- آن
۱۲۵	الگوی توانایی مایر و سالووی
۱۳۲	ابزارهای مورد استفاده برای سنجش هوش هیجانی
۱۳۲	آزمون هوش هیجانی برادبری - گریوز
۱۳۳	آزمون هوش هیجانی بار - آن
۱۳۳	مقیاس هوش هیجانی شات
۱۳۴	آزمون خود گزارشی هوش هیجانی اسچت
۱۳۴	عوامل مؤثر در هوش هیجانی
۱۳۶	ویژگی افرادی که هوش هیجانی بالا دارند
۱۳۸	حیطه های اصلی هوش هیجانی
۱۴۱	رابطه سازگاری و هوش هیجانی
۱۴۳	منابع





# فصل اول

## کلیات

### مقدمه

هوش هیجانی<sup>۱</sup> را مجموعه‌ای از توانایی‌ها تعریف کرده‌اند که در برگیرنده ادراک، بیان، فهم، تسهیل و تنظیم هیجان‌هاست (مظاهری، ۱۳۹۰). نظریه پردازان هیجان اذعان می‌کنند که سازماندهی هیجان اساساً ریشه در دلبستگی<sup>۲</sup> و تجربیات اجتماعی سازی هیجانی دارد. دلبستگی یک پیوند عاطفی است که با تمایل به جستجو و در مجاورت یک فرد یا شی ماندن به‌ویژه در موقعیت‌های استرس را مشخص می‌شود (بشارت، ۱۳۸۶). محققان معتقدند که نظریه دلبستگی (بالبی<sup>۳</sup>، ۱۹۹۶) به میزان زیادی به تنظیم عاطفی و مقابله با استرس مربوط است که حالتی از غمگینی، تمایل به برگشت به خانه و زجر ناشی از تفکر در باره خانه است. سبک دلبستگی ایمن<sup>۴</sup> با سازگاری مناسب و اعطاف پذیری در برابر تجارب هیجانی و تحمل رویدادهای استرس‌زا بدون اینکه به وسیله آنها در هم بشکند ارتباط دارد. از سوی دیگر سبک دلبستگی اجتنابی<sup>۵</sup> با حفظ فاصله هیجانی از دیگران و دوری از مواجهه با استرس‌ها مرتبط است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که هوش هیجانی تعدیل کننده رابطه استرس و سلامت روانی است

---

1 -Emotional Intelligence

2-. Attachment

3- Bolbi

4-Secure attachment

5. -Avoidance attachment

(سالووی و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲). به اعتقاد بار- ان<sup>۲</sup> (۱۹۹۹) هوش هیجانی مجموعه‌ای از قابلیت‌ها، توانایی‌ها و مهارت‌هاست که فرد را برای سازگاری با محیط و کسب موفقیت در زندگی، تجهیز می‌کند و نوعی ظرفیت ادراک، بیان، فهم، کاربرد و مدیریت هیجان‌های خود و دیگران است (مایر، سالووی، کاروسو و سیتانیوس<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱). احساسات هسته اصلی زندگی هستند و احساسات بر هیجان‌ها و هیجان‌ها بر احساسات تأثیر می‌گذارند. دانش هیجانی به تنظیم هیجان کمک می‌کند. با توجه به این مطلب، افراد باید توانایی‌های مربوط به این سطح را برای استفاده از دانش‌های آن، در عمل پرورش دهند. بررسی‌های انجام شده در تعیین هوش هیجانی نشان داده است که هوش هیجانی در دانش آموزان خودنمایی می‌کند. و به همین علت است که در طول سالیان دراز مدارس جهت توجه به این نیازهای درونی اقداماتی مانند المپیادهای ورزشی، طرح پژوهش‌های دانش آموزی، ابداعات و خلاقیت در زمینه‌های علوم انسانی در برنامه‌های مدارس گنجانده شده است. تحقیقاتی در زمینه توضیح رابطه هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی در دنیا و در ایران به عمل آمده است و اغلب معنادار بودن رابطه را نشان داده است. هوش هیجانی خود به تنهایی تولیدکننده موفقیت نیست اما واقعیت این است که اسنادهای مثبت در درازمدت می‌تواند عامل پیش‌بینی کننده خوبی برای موفقیت باشد (سیارویی و همکاران، ۱۳۸۴). آفریندگی یا خلاقیت<sup>۴</sup> نیز به طرق مختلف و از دیدگاه‌های متفاوت تعریف شده است. اهمیت آن در آموزش و پرورش در آن است که همانند توانایی حل مسأله، یکی از هدف‌های مهم آموزش و پرورش، پرورش استعداد‌های خلاق است و علاوه بر آن تحقیقات نشان می‌دهند که خلاقیت بر پیشرفت تحصیلی موثر است. سانتروک<sup>۵</sup> (۲۰۱۴) خلاقیت را به صورت زیر تعریف کرده است،

- 
1. -Salvay
  2. -Bor on
  3. -Meyr & Carouso and Sitaniias
  - 4.-Creativity
  - 5.-Santrok

توانایی اندیشیدن درباره امور به راههای تازه و غیر معمول و رسیدن به راه‌حل‌های منحصر به فرد برای مسائل. داشتن خلاقیت در طول زندگی کمک می‌کند تا فرد برای مسائل و مشکلات پیش روی خود بهترین پاسخ‌ها را انتخاب کرده و مسائل را به شیوه‌ای هوشمندانه‌تر حل و فصل کند و در نتیجه به واسطه این نوع عمل‌گری خود موفقیت‌های چشم‌گیرتری نیز دست پیدا کند از طرفی وجود هوش هیجانی و تأثیر آن در انسان واقعیتی انکار ناپذیر است و در انسان نیم‌کره راست مغز مربوط به هوش هیجانی است هوش هیجانی مواردی از قبیل علاقه به شادی، ترس از تحقیر و مسائلی این‌چنینی را شامل می‌شود. هوش هیجانی توانایی آگاه بودن از خود، درک و فهم خود و دیگران، توانایی مواجه شدن با هیجانات شدید و مدیریت خود و ... است که تمامی این عوامل میتواند در انتخاب سبک دلبستگی در افراد تأثیرگذار باشد. با توجه به مطالب گفته شده این نیاز احساس می‌شود که آیا میزان هوش هیجانی و خلاقیت افراد با سبک دلبستگی آنها رابطه‌ای دارد یا خیر. تا بدین وسیله بتوان گام‌های مؤثری در زمینه ارتقاء خلاقیت و هوش هیجانی برداشته شود

یکی از پدیده‌های طبیعی قابل مشاهده در تمام ساختارهای جوامع انسانی وجود تفاوت‌هاست. در واقع، زیبایی جهان هستی در وجود این تفاوت‌هاست. یک نظام آموزشی سالم، انسانی، پویا و کارآمد این تفاوت‌ها را به شکل طبیعی از توانایی‌ها و قابلیت‌ها دریافت و ادراک می‌کند. یکی از مهمترین مسائلی که معلمان در کلاس خود با آن مواجهند، وجود تفاوت‌های فردی در میان دانش‌آموزان از نظر هوشی<sup>۱</sup>، استعداد<sup>۲</sup>، انگیزش<sup>۳</sup>، پیشرفت تحصیلی<sup>۴</sup>، سبک یادگیری<sup>۵</sup> و نظایر این‌هاست. درک این تفاوت‌ها

---

1 - Intelligence

2.-Talent

3.-Motivation

4.-Achievement

5.-Learning style.

می‌تواند به پویایی کار معلمان کمک کند (والر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱). تفاوت‌های فردی در یادگیری از دیر باز مورد توجه متخصصان تعلیم و تربیت قرار گرفته است. این عقیده که تفاوت‌های افراد در یادگیری صرفاً ناشی از تفاوت‌های آنها در هوش و توانایی‌هاست تا مدت‌ها در دنیای تعلیم و تربیت پذیرفته شده بود، اما بعدها تغییر یافت. پژوهشگران نشان داده‌اند که دانشجویان سبک‌های شناختی متفاوتی دارند، یعنی اطلاعات را از راه‌های مختلف تجزیه و تحلیل می‌کنند و یاد می‌گیرند. امروزه مشخص شده است که تفاوت‌های افراد در یادگیری فقط تا حدی به هوش و توانایی‌های آنها بستگی دارد. بنابراین، عوامل دیگری نظیر ویژگی‌های شخصیتی، دشواری تکلیف و تفاوت در سبک‌های دلبستگی<sup>۲</sup> نیز در این امر دخیل‌اند (ارک<sup>۳</sup>؛ همکاران، ۲۰۰۸). در تمامی نظام‌های تعلیم و تربیت، میزان پیشرفت دانش‌آموزان شاخص موفقیت در فعالیت‌های علمی و آموزشی است و یکی از عوامل مهم در تعیین موفقیت تحصیلی برقراری ارتباط بیشتر و مؤثرتر با کادر آموزش و محصلان دیگر است. شیوه ارتباط افراد با یکدیگر به شیوه قابل ملاحظه‌ای تحت‌تأثیر سبک‌دلبستگی این افراد است، دلبستگی پیوند عاطفی نیرومندی است که هر فرد در زندگیش برای افراد خاصی ایجاد می‌کند (بالبی، ۱۹۹۳). تجارب اولیه دلبستگی با مراقبان احساسات، افکار و رفتار را در روابط بعدی هدایت می‌کند. نظریهٔ دلبستگی بالبی (۱۹۸۰) بیان می‌کند که روابط کودک با مراقبان در سال‌های اولیهٔ زندگی منجر به تشکیل الگوهای روانی خاصی می‌شود که مبنای بیشتر روابط بین‌فردی در بزرگسالی است. به دنبال خط پژوهش بالبی، اینورث، واتر و وال<sup>۴</sup> (۱۹۸۷) سه سبک دلبستگی را توصیف نمودند، ایمن<sup>۵</sup>، اضطرابی/دوسوگرا<sup>۶</sup> و اضطرابی<sup>۷</sup>. که می‌توان آنها را به صورت سبک دلبستگی ایمن و نایمن دسته‌بندی کرد.

---

1.-Valer

2.-Attachment style

3-Ark

4- Wall

5.- Safe

6. -Anxious / ambivalent

7. -Anxiety

نظریه دلبستگی مبنای نظری قوی را برای درک وجود مشکلات رفتاری و هیجانی در دوران نوجوانی در اختیار قرار داده است (مارش<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۳). نظریه دلبستگی همواره بر دو نکته تأکید شده است، اول اینکه رابطه گرم، نزدیک و پیوسته مادر با کودک برای سلامتی روانی اش ضروری است و دوم اینکه جدایی از مادر و یا طرد شدگی از سوی وی در اغلب بزهکاران دیده می‌شود (بالبی و اینر ورث<sup>۲</sup>، ۱۹۶۵). تحقیقات مربوط به نظریه دلبستگی نشان داده‌اند که کیفیت رابطه و نوع دلبستگی کودک-والد در مقاطع حساس زندگی، منجر به شکل‌گیری بازنمایی‌های ذهنی می‌شود که طرحواره‌ها یا الگوهای عمل آنها را برای تعامل با خود و دنیای بیرون می‌سازند (بالبی؛ ۱۹۷۳). میکولینسر و شیپور<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) با مرور پژوهش‌های پیشین به این نتیجه رسیدند که افراد با سبک‌های دلبستگی متفاوت در رویدادهای ارتباطی، هیجان‌های متفاوتی را تجربه می‌کنند، به طوری که افراد دلبسته ایمن نسبت به افراد نایمن، نیم‌رخ هیجانی تمایز یافته و متنوع‌تری نشان داده‌اند. از سوی دیگر پژوهش‌ها حاکی از آن است که افراد باتوجه به سبک دلبستگی خود به هیجان‌های متفاوتی سوگیری دارند (ماگای<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰). و هیجان‌های یکسان را به صورتهای متفاوتی تجربه می‌کنند (روگنونی<sup>۵</sup> و مکماران، ۲۰۰۸).

سبک‌های دلبستگی اکتسابی هستند و این بدین معناست که داشتن ویژگی‌هایی می‌توند افراد را مستعد پذیرفتن یک نوع سبک دلبستگی ایمن کند، یکی از این ویژگی‌ها داشتن خلاقیت و هوش هیجانی در افراد است. تورنس<sup>۶</sup> (۲۰۱۱) یکی از

---

1.-Marsh

2.- Anrose

3- Mikolinsner

4.-Magaie

5.-Rogeni

6.-Torrance

پیشگامان برجسته در زمینه خلاقیت است او خلاقیت را مرکب از چهار عامل سیالی<sup>۱</sup>، ابتکار<sup>۲</sup>، انعطاف‌پذیری<sup>۳</sup> و بسط<sup>۴</sup> می‌داند. و تحول خلاقیت را به عنوان یک کنش از کودکی تا نوجوانی مورد تأکید قرار می‌دهد (رئسی، ۱۳۸۹).

از نظر او خلاقیت عبارت از حساسیت به مسائل، کمبودها، مشکلات و خلأهای موجود در دانش بشری، حدس زدن و تشکیل فرضیه‌هایی درباره این کمبودها، ارزشیابی و آزمایش حدس‌ها و فرضیه‌ها، اصلاح احتمالی و آزمودن مجدد آنها و در نهایت نتیجه‌گیری است (قدرتی، ۱۳۹۰). خلاقیت<sup>۵</sup> تنها مزیت رقابتی انسان در عرصه رایانه است؛ زیرا هنوز رایانه‌ای که دارای قوه تخیل و تصور باشد ابداع نشده است. خلاقیت یا آفرینندگی و نیز آفرینشگری، مهمترین و اساسی‌ترین قابلیت و توانایی انسان و بنیادی‌ترین عامل ایجاد ارزش است که در همه ابعاد و جوانب زندگی وی نقش کاملاً حیاتی ایفا می‌نماید ( خسروانی، ۱۳۸۶). خلاقیت و نوآوری از والاترین موهبت‌های الهی به انسان و از عوامل اشرف مخلوقات شدن و خلیفه الهی بودن اوست. کلیه علوم، تولیدات، فن‌آوری‌ها، صنایع، ابداعات، اختراعات، هنرها، ادبیات، موسیقی، معماری و به طور کلی اساس انواع تمدن‌ها از ابتدا تاکنون و کلیه دستاوردهای بشری، جلوه‌های گوناگون خلاقیت و نوآوری است. تمدن انسانی و زندگی وی بدون خلاقیت نمی‌تواند امکان‌پذیر باشد. لذا از یک طرف با توجه به درهم‌تنیدگی هیجان و شناخت در کارکردهای شناختی اجتماعی افراد و اهمیت هیجان در تلاش‌های خلاق و همچنین محدود بودن مطالعات در این زمینه و از طرف دیگر از آنجا که دانشجویان به عنوان مهمترین عنصر در نظام آموزش عالی محسوب می‌شوند و برای اینکه بتوان نسلی را تربیت کرد تا بتوانند ایده‌های نو و جدیدی را در جهت حل معضلات اجتماعی ارائه دهند باید به نوعی هیجان‌ات و عواطف آنان را در

- 
- 1.-Fluid.
  - 2.-nnovation
  - 3.-Flexibility.
  - 4.-Expansion
  - 5.-Creativity

مسیر صحیح هدایت کرده که اگر چنین شود نظام آموزش عالی دارای کارایی و اثربخشی و بهره‌وری لازم خواهد بود (ذراتی و همکاران، ۱۳۸۵). از سوی دیگر اصطلاح هوش هیجانی<sup>۱</sup> نخستین بار در سال ۱۹۸۹ توسط مایر و سالوی برای بیان کیفیت و درک احساس های افراد، همدردی با احساس‌های دیگران و توانایی مدیریت مناسب خلق و خو به کاربرده شد (اکدامن<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵). سپس در سال ۱۹۹۵ توسط گلمن به سرعت جنبه عام یافت و در سال‌های اخیر، پژوهش در مورد هوش هیجانی به یک موضوع مهم و مورد علاقه تبدیل شده است (بار آن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴). هوش هیجانی سعی در تشریح جایگاه و تفسیر هیجانات و عواطف در توانمندی‌های اساسی دارد. (گلمن<sup>۴</sup>، ۲۰۰۲). اولین نظریه پردازی که تعریف علمی از هوش عاطفی بیان کرد پیتر سالوی<sup>۵</sup> (۱۹۹۰) است که آن را نوعی از پردازش اطلاعات عاطفی (هیجانی) می‌داند که شامل ارزیابی درست هیجان و احساس در خود و دیگران، بیان صحیح احساس و تنظیم انطباقی احساسات است به شیوه‌ای که سطح زندگی بهبود یابد. ویژگی مثبت هوش هیجانی در این است که با هوشبهر<sup>۶</sup> تفاوت دارد و این طور نیست که بگوییم وراثتی است و دیگر نمی‌توان تغییری در آن ایجاد کرد. بلکه می‌توان هوش هیجانی را آموخت و آن را افزایش داد. هوش هیجانی می‌تواند به ما کمک کند درست رفتار کنیم و بهترین واکنش را در برابر رفتارهای مختلف داشته باشیم. گلمن<sup>۷</sup> (۲۰۰۱) در تعریف هوش هیجانی می‌گوید: مهارتی است که دارنده آن می‌تواند ز طریق خود آگاهی، روحیات خود را کنترل کند، از طریق خود مدیریتی آن را بهبود بخشد، از طریق همدلی تأثیر آنها را درک کند و از

---

1.-Emotional Intelligence

2.-Akdaman

3.-Bar on

4.-Goldman

5.-Peter Salvey

6.-Intelligence

7 - Golman

طریق مدیریت روابط به شیوه‌ای رفتار کند که روحیه خود و دیگران را بالا ببرد (گلمن، ۲۰۰۱).

افراد با توجه به دلبستگی ایمنی که در کودکی او شکل گرفته نسبت به برخورد با افراد دیگر بسیار منظم و سنجیده رفتار می‌کند و در نتیجه یک رابطه بسیار مناسب را با دیگران برقرار کرده و کمتر در روابطش با دیگران دچار دلزدگی می‌شود با توجه به مطالب فوق الذکر و هدف این پژوهش که عبارت است از بررسی رابطه و مقایسه خلاقیت و هوش هیجانی در بین دانش‌آموزان دارای سبک دلبستگی ایمن و دانش‌آموزان دارای سبک دلبستگی ناایمن، این پژوهش بر آن است تا دریابد که آیا خلاقیت و هوش هیجانی با سبک دلبستگی ایمن و ناایمن در دانش‌آموزان رابطه دارد؟ و آیا بین خلاقیت و هوش هیجانی در این دانش‌آموزان با سبک دلبستگی ایمن و ناایمن تفاوت وجود دارد؟

### اهمیت موضوع

دلبستگی را پیوند عاطفی نسبتاً پایداری تعریف می‌کنند که بین کودک و یک یا تعداد بیشتری از افراد که در تعامل منظم و واقعی با وی هستند ایجاد می‌گردد (مظاهری، ۱۳۸۷).

با دقت در تعریف فوق چند نکته اساسی قابل استناد است، نخست این که دلبستگی یک پیوند و رابطه بین فردی است. دوم این که این ارتباط، یک ارتباط عافی است و مسلم است که هیجان‌های مختلفی در این ارتباط درگیر خواهد بود سوم اینکه این ارتباط نسبتاً پایدار است. بنابراین با توجه به مفهوم الگوهای فعال درونی و بازنمایی‌های ذهنی از خود و دیگران، کیفیت این پیوند، موزه‌های وسیعی از روابط بین فردی و درون را در زمان حال و آینده تحت تاثیر قرار خواهد داد. از طرف دیگر هوش هیجانی توانایی فرد در بازنگری احساسات خود و دیگران، تمایز قائل شدن بین آنها و استفاده از اطلاعات هیجانی در حل مسئله و تعلم بخشی رفتار تعریف شده است (سالووی و ماید، ۱۹۹۰) در واقع هوش هیجانی بر توانایی توجه، پردازش و تعلم بخشی هیجان‌های تجربه شده د



بطن روابط اشاره دارد. با ملاحظه مطالب فوق می‌توان اسنباط کرد کیفیت پیوند عاطفی کودک با افراد مهم زندگی‌اش می‌تواند در رشد و شکل‌گیری قابلیت‌های هیجانی وی نقش داشته و تاثیر فراوانی در روابط بین فردی و درون فردی آینده او داشته باشد.

امروزه هوش هیجانی به عنوان یک موضوع جدید در حوزه روانشناسی مورد توجه قرار گرفته است. مطالعاتی که در این زمینه انجام شده است مبین نقش هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن در جنبه‌های مختلف زندگی فرد همچون پیشرفت تحصیلی، ازدواج، شغل، روابط اجتماعی و... می‌باشد. لذا در بررسی حاضر در ابتدا پس از ذکر تاریخچه و تعریف و تشریح هوش هیجانی و سبک دلبستگی و مؤلفه‌های آنها، به مبنای زیستی هوش هیجانی و روشهای و مواد و موانع موثر بر سبک دلبستگی در جامعه و بالاخص دانشجویان خواهیم پرداخت. در ادامه راه‌های افزایش هوش هیجانی و سبک‌های دلبستگی و تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده را، بررسی خواهیم کرد.

در حدود ۲۰۰۰ سال پیش افلاطون گفت: تمام یادگیری‌ها دارای یک زیر بنای هیجانی و عاطفی است. متاسفانه تفکر حاکم در این ۲۰۰۰ سال این بود که هیجان‌ها مانع انجام کار و تصمیم‌گیری هستند و در سال ۱۹۸۰ بود که هوش هیجانی نام فعلی خود را بدست آورد ابتدا سالوی و مایردر سال ۱۹۹۰ مفهوم هوش هیجانی را معرفی کردند، و ۵ سال بعد دانیل گلمن<sup>۱</sup> در ۱۹۹۵ با انتشار کتاب هوش هیجانی به آن شهرت بخشید. نظریه هوش هیجانی دانیل گلمن هوش درون فردی و بین فردی (در نظریه گاردنر) را گسترش داده و بر توانایی شناخت، درک و تنظیم و نظارت بر احساسات و هیجانات خود و دیگران و استفاده از آن در جهت هدایت افکار، اعمال و ارتباطات خود و دیگران تاکید می‌کند (لطف آبادی، ۱۳۸۴). بار آن برای اولین بار در سال ۱۹۸۰ بهره هیجانی را مطرح کرد و در همان سال بر تدریس پرسشنامه هوش هیجانی اگر چه نظریه هوش هیجانی مورد انتقاد برخی از روانشناسان قرار گرفته و آن را نه از مقوله هوش بلکه برخی

صفات شخصی شمرده اند (ایزارد<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱) اما این نظر در سالهای اخیر مورد توجه روانشناسان تربیتی قرار گرفته و مربیان و معلمان نیز، به دلیل کاربردهای آن در کلاس درس، از آن استقبال کرده اند. لذا نظریه هوش هیجانی را نیز باید مانند سایر نظریه های هوش، مورد توجه قرار داد.

هیجانها چند بعدی هستند، آنها بصورت پدیده های ذهنی، زیستی، هدفمند و اجتماعی وجود دارند. هیجانها تا اندازه ای احساس های ذهنی هستند به این صورت که باعث می شوند به شیوه خاصی (مثل عصبانیت یا شادی) احساس کنیم. اما هیجانها واکنش های زیستی نیز هستند یعنی پاسخ های بسیج کننده انرژی که بدن را برای سازگار شدن با هر موقعیت که فرد با آن مواجه شده، آماده می کنند. هیجانها هدفمند هستند. مانند گرسنگی که هدفش زنده نگه داشتن سازواره است. هیجانها پدیده هایی اجتماعی نیز هستند و همراه علائمی قابل درک برای دیگران مانند اخم کردن که علامتی است از ناراضی و ناراحتی یک فرد. با توجه به این چهار ویژگی جان مارشال ریو در کتاب (انگیزش و هیجان) هیجان را اینگونه تعریف کرده است: هیجانها پدیده های احساسی - انگیزشی - هدفمند و بیانگر کم دوامی هستند که به ما کمک می کنند با فرصت ها و چالش هایی که هنگام رویدادهای مهم زندگی مواجه می شویم، سازگار شویم. خلاقیت متغیر دیگری است که رابطه آن با سبک دلبستگی سنجیده خواهد شد. گالاگرو و گالاگرو<sup>۲</sup> (۱۹۹۴) خلاقیت را فرایندی ذهنی می داند بطوری که یک فرد عقاید یا فرآورده های تازه ای خلق میکند و یا اینکه عقاید و فرآورده های موجود را در سبکی که برای خودش یا دیگری بدیع باشد، ترکیب می نماید. به طور کلی فرایندهای خلاقیت، غیر عقلانی نبوده بلکه فوق عقلانی اند که فعالیتهای فکری ارادی و عاطفی را گرد هم آورده به تحرک و حرکت می دارد. تفکر خلاق، نمایش بالاترین درجه سلامت عاطفی بوده و عبارت از ابراز وجود افراد سالم در جریان خود بهسازی و تامل خویش است (داوری، ۱۳۸۶).

---

1. Eizrad

2. -Gallagro

با توجه به اینکه خلاقیت و هوش هیجانی از جمله ویژگی‌های قابل آموزش و قابل ارتقا می‌باشند. برای افزایش سطح سلامت فردی و اجتماعی مهم خواهد بود که معنی داری رابطه‌ی آنها با سبک دلبستگی دانش آموزان مورد بررسی قرار گیرد.

## تعاریف نظری و عملیاتی

### تعاریف نظری

#### سبک دلبستگی

جو هیجانی که بر روابط کودک با مراقبش حاکم است را سبک دلبستگی می‌گویند. کلیه‌ی حالات هیجانی مراقب کودک که معمولاً مادر او می‌باشد، بر این جو عاطفی و هیجانی تاثیر می‌گذارد. این سبک دلبستگی سبک ارتباطی فرد را در زندگی شکل می‌دهد (لیبرمن<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۹).

#### خلاقیت

خلاقیت از ویژگی‌ها و قابلیت‌های انسان است که نقش مهمی در زندگی وی دارد. این ویژگی باعث پیشرفت انسان در تمامی عرصه‌ها می‌شود و به عبارتی می‌تواند کیفیت زندگی او را تعیین کند، از این رو اهمیت بسیاری دارد (تریسی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵).

---

1.-Lieberman

2.-Tracy

## هوش هیجانی

شامل شناخت و کنترل عواطف و هیجان‌های خود است. به عبارت دیگر، شخصی که هوش هیجانی بالایی دارد سه مولفه هیجان‌ها را به طور موفقیت‌آمیزی با یکدیگر تلفیق می‌کند. مولفه شناختی<sup>۱</sup>، مولفه فیزیولوژیک<sup>۲</sup> و مولفه رفتاری<sup>۳</sup> (پارسا، ۱۳۸۵).

## تعاریف عملیاتی

### سبک دلبستگی

به آن دسته از ویژگی‌هایی که توسط پرسشنامه سبک دلبستگی کولینز و رید سنجیده می‌شود (پاکدامن، ۱۳۸۰).

### خلاقیت

به آن دسته از ویژگی‌هایی که توسط پرسشنامه خلاقیت عابدی سنجیده می‌شود (عابدی، ۱۳۷۲).

### هوش هیجانی

به آن دسته از ویژگی‌هایی که توسط پرسشنامه هوش هیجانی بار-ان سنجیده می‌شود (زهرکار، ۱۳۸۹).

---

1 - Cognitive component

2.-Physiological component

3.-Behavioral component